

تحریم و توزیع نابرابر ثروت

مهران زنگنه

در مورد اینکه تحریم یکی از ابزارهای پیشبرد سیاست‌های نئوکولیسیالی و ابزار سلطه‌ی آمریکا در سطح جهانست شکی نیست و اهداف آن در مورد ایران نیز روشن‌اند. اما واقعا آنطور که دولت جمهوری اسلامی اعلام می‌کند، مشکلات اجتماعی و خرابی وضع فرودستان به تحریم‌ها برمی‌گردند؟

بیانیم بپرسیم: اگر تحریم اثرات منفی برای اقتصاد در چارچوب جمهوری اسلامی دارد، که دارد، دولت جمهوری اسلامی چه نقشی در نحوه‌ی اثر نهدی آنان بر زندگی گروه‌های اجتماعی مختلف دارد؟

در حالیکه (به بیانی ساده بگوئیم) تحریم خراب را خرابتر می‌کند، مثلا تورم را تشدید می‌کند رکود را عمیقتر و غیره، اما مسئله را ساده می‌کنیم و با فرضی غلط می‌گوئیم علت گرانی تحریم است و به نتایج فقط یک اثر تحریم، یعنی تورم می‌پردازیم.

بیانیم با توجه به شکل سرمایه‌دارانه‌ی توزیع نابرابر ثروت اثرات تحریم را بررسی بکنیم. توزیع نابرابر درآمد را همه می‌شناسند اما از ابعاد نابرابری همه کس با خبر نیست.

در ایران از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۶ بر اساس داده‌های آماری مربوط به نابرابری در سطح جهان^۱ یک درصد بالای جامعه ۱۶/۳ درصد و ۱۰ درصد بالای جامعه ۴۸/۵ درصد کل درآمد کشور را دریافت می‌کنند، حال آنکه ۵۰ درصد پایین جامعه در همین دوره ۱۶/۸ درصد از کل درآمد را در اختیار داشته‌اند. یا برای وضوح بیشتر ساده بکنیم و بگوئیم ۱۰ درصد جامعه تقریبا ۵۰ درصد درآمد و ۹۰ درصد بقیه ۵۰ درصد درآمد را در اختیار دارند.

فقط با توجه به نحوه‌ی توزیع درآمد در ایران می‌توان گفت: برای ۱ درصد بالا اگر تورم در نتیجه‌ی تحریم ۱۰۰ درصد بشود باز آنها می‌توانند به راحتی از پس مخارج روزمره بر می‌آیند چون این گروه بخش نسبتا کوچکی از درآمدش را صرف مخارج روزمره می‌کند. اگر برای مثال ۱ درصد از درآمدش خرج روزمره می‌شود، در صورت چنین تورمی می‌تواند ۲ درصد از درآمدش را خرج مخارج روزمره بکند. ولی برای ۵۰ درصد پائین اگر تورم ۱۰۰ درصد که سهل است ۱۰ درصد افزایش بیابد کل ۵۰ درصد پائین اجتماع، که بخش اعظم درآمد خود و یا کل آن را صرف زندگی روزمره می‌کند، نه فقط از پس مخارج روزمره بر نمی‌آید، بلکه زندگی گروهی از آنان در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد و اعضای این گروه ممکن است بمیرند. چرا مرگ؟

^۱ <https://wid.world/country/iran/>

۵۰ درصد پائین جامعه نیز همگون نیست. در سال جاری ۱۳۹۷ گفته شده است: «۳۳ درصد از گروه‌ها و اقشار پائین در فقر مطلق به سر می‌برند.» «درآمد ۶ درصد از جمعیت کشور هزینه غذایشان را تامین نمی‌کند.» یعنی «۶ درصد (...) دچار گرسنگی هستند که این تعداد نزدیک به ۵ میلیون نفر است.»^۲ بیائیم فقط همین ۵ میلیون را در نظر بگیریم. می‌توان گفت: اینان محکومین به مرگ تدریجی در سایه‌ی تحریم و نحوه‌ی توزیع درآمد سرمایه‌دارانه‌اند.

می‌بینیم با وجود این لایه یک تفاوت کیفی در اثرات تحریم وجود دارد: در حالیکه گروه‌های فرودست جانشان بواسطه‌ی تحریم به طور روزافزون در معرض خطر قرار می‌گیرد، به استثناء آن ۱۰ درصد بالا، سطح زندگی روزمره دیگران (البته نه به یک نسبت) کاهش می‌یابد. یعنی در اثر تحریم یکی از سطح زندگی‌اش کاسته می‌شود و دیگری حیاتش در معرض خطر قرار می‌گیرد. تنها همین یک تفاوت کیفی برای نشان دادن اینکه تحریم به لحاظ اجتماعی خنثی نیست کافی است و لازم نیست به سراغ تحلیل‌های پیچیده برویم. اما اینکه تحریم به لحاظ اجتماعی خنثی نیست و جان فرودستان در اثر تحریم به خطر می‌افتد چه ربطی به جمهوری اسلامی دارد؟ تشخیص ربط ساده است وجود لایه‌ی ۵ میلیونی محصول توزیع نابرابر ثروت است و دست‌آورد جمهوری اسلامی و نه تحریم. وجود این لایه است که تازه این امکان را به تحریم‌گر می‌دهد که زندگی کسی را به خطر بیاندازد.

آیا توزیع نابرابر درآمد ربطی به تحریم دارد؟ به هیچ وجه. این جاست که نقش جمهوری اسلامی به عنوان حافظ و یکی از عوامل توزیع نابرابر درآمد و بنابراین نقش آن در توزیع نابرابر اثرات تحریم روشن می‌شود. می‌بینیم که حتی اگر تحریم مشکل آفریده است، اما نحوه‌ی توزیع درآمد است که در نهایت چگونگی اثر نهی آن را بر گروه‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کند. در واقع این توزیع نابرابر سرمایه‌دارانه‌ی درآمد است که باعث می‌شود که زندگی حداقل ۵ میلیون در معرض تهدید قرار بگیرد. می‌توان پرسید اگر توزیع درآمد عادلانه می‌بود تحریم می‌توانست زندگی کسی را تهدید بکند؟ جواب طبعاً منفی است. چرا؟ با توزیع درآمد عادلانه، یعنی اگر استثمار وجود نمی‌داشت، اصلاً آن گروه یا لایه‌ی ۵ میلیونی در ایران وجود نمی‌داشت تا اگر امریکا به منظور برقرار کردن رژیمی مثل رژیم کودتای پهلوی ایران را تحریم می‌کرد، کسی بخواهد جلوی قربانی شدن آن لایه را بگیرد.

بیائیم و به عراق دوره‌ی صدام نگاه بکنیم. در عراق نیز توزیع درآمد کم و بیش مثل ایران بود. مقایسه کنید: ۱۰ درصد بالا در ایران ۴۸/۵ درصد و در عراق بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ تقریباً ۵۲/۹ درصد کل درآمد کشور را در اختیار داشتند.^۳ با توجه به این امر می‌توان گفت:

^۲ <https://www.isna.ir/news/97011804424/> ۱۸ فروردین ۱۳۹۷

^۳ <https://wid.world/country/iraq/>

۵۰۰-۶۰۰ هزار کودکی که در عراق جان باختند و گفته می‌شود قربانی تحریم عراق توسط آمریکا و متحدینش شدند، در واقع قربانی فقط تحریم نشدند، بلکه قربانی تحریم آمریکا و توزیع نابرابر سرمایه‌دارانه‌ی درآمد در رژیم صدام شدند. مطمئناً کودکانی که در عراق در اثر گرسنگی و عدم دسترسی به دارو و غیره مردند بچه بورژوا نبودند. دیده می‌شود که می‌توان با گفتن بخشی از حقیقت یعنی با گفتن تحریم موجب مرگ ۵۰۰ هزار کودک عراقی شد، علت دیگر یعنی نقش توزیع نابرابر درآمد سرمایه‌دارانه (و نقش رژیم صدام به عنوان ضامن آن را) را در این مرگ و میر پوشاند، همانطور که امروز در مورد رژیم جمهوری اسلامی توسط طرفدارانش تبلیغ می‌شود وقتی گفته می‌شود تحریم علت مشکلات است. کل حقیقت در مورد کودکان عراقی عبارت است از: بوش و صدام دست در دست یکدیگر جان کودکان را گرفتند، همانطور که اکنون ترامپ با تحریم و جمهوری اسلامی با توزیع سرمایه‌دارانه‌ی درآمد دست در دست یکدیگر جان حداقل ۵ میلیون انسان را به خطر افکنده‌اند. بنابراین چه آنان که خواهان تحریم‌اند و تحریم می‌کنند و چه آنان که علت مشکلات را فقط تحریم و نه سرمایه‌دارانه بودن رژیم قلمداد می‌کنند، هر دو در واقع یک حرف می‌زنند: مرگ بر فرودست.